

جلو‌های فرهنگ و هنر ایران در شهر بمبئی



مدت اقامت من در شهر بمبئی بسیار کوتاه بود، و در این فرصت کم کوفیق
یافتن تا از بخشی از مؤسسات فرهنگی و هنری آن بازدید کنم.
شنیده بودم که بمبئی مرکز علمی و فرهنگی پارسیان است و می‌دانستم که
درین شهر گروهی از نخستین کتابهای فارسی به چاپ رسیده و اکنون نیز در
برخی از دانشکده‌های آن زبان فارسی تدریس می‌شود.
نخست بخانه فرهنگ ایران رفتم و با سرپرست آن که از پیش با هم
آشنا بودیم ملاقات کردم و با اتفاق وی نخست به کتابخانه دانشگاه بمبئی و سپس
به کتابخانه مؤسسه کاما رفتیم، در کتابخانه دانشگاه که در ساختمان باشکوهی
استقرار یافته و معرف عصر اعلای علمی بمبئی در قرن نوزدهم است.
با پروفیسور مارشال رئیس سابق کتابخانه که اکنون بازنشسته و فقط
استاد کتابداری است آشنا شدم، مارشال بکتابهای خطی کتابخانه اشاره کرد
و گفت:

سه نوح کتاب خطی فارسی درین کتابخانه هست، نخست کتابهایی که

کاتالک شده و چند سال پیش چاپ و منتشر گردیده است. دوم کتابهایی که فقط فهرستی از آن در دست داریم و در قفسه بزرگی که پشت سر من است قرار داده شده‌اند. سوم آن کتابها که چند ماه پیش از دفتر فرهنگی پونا بکتابخانه ارسال شده و هنوز حتی فهرستی از آن نیز در دست نداریم. در اینجا پروفیسور مارشال اشاره به علاقمندی سرپرست خانه فرهنگ کرد و گفت:

چند ماه پیش ایشان با همکاری دکتر گای استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بمبئی شروع کردند به بررسی این کتابها و تا حدودی نیز درین کار پیشرفت کردند اما بواسطه برخی گرفتاریها که برای آقای دکتر گای پیش آمد، کار ناتمام ماند، دکتر مومن استاد زبان فارسی در کالج مرکزی دانشگاه بمبئی تابحال چند بار مأمور انجام این کار علمی و فرهنگی شده اما بواسطه اشتغال در مرکز تحقیقات سیملا در شمال هند فرصت نداشته است که باین کتابها بپردازد.

فهرست ناقصی را که در اختیار داشتند گرفتیم و ازمیان کتابهای آن بیا نیازی که اکنون بررسی تاریخ افغانستان و روابط ایران و افغانستان داریم سه کتاب انتخاب کردیم که آنها را فوراً در اختیارم گذاشتند و قرار شد که از دو کتاب آن میکروفیلم تهیه شود.

باتفاق مسئولین نسخ خطی فارسی بزرگزمین رفتیم تا از کتابهای فهرست نشده دیدن کنیم درین جادرقفسه‌ای بزرگ تعدادی کتاب خطی فارسی و عربی انبار شده بود و تصادفاً نخستین کتابی که برداشتم بنام وقایع نادری جلب توجهم را کرد اما خیلی زود دانستم که این کتاب همان تاریخ جهاننگاشت است.

از آنجا بکتابخانه مؤسسه شرقشناسی کاما رفتیم و بسا پرفیسور کانگا استاد زبانهای پهلوی و اوستائی در دانشگاه بمبئی و منشی مؤسسه که در قیاب دکتر بسارا رئیس مؤسسه همه کارهای این مرکز علمی و فرهنگی را برعهده دارد آشنا شدم، درمؤسسه کاما هزاران جلد نسخه خطی فارسی و پهلوی و اوستائی و گجراتی گردآوری شده و نسخه‌های چاپی نایاب و پرازدی نیز

در کتابخانه است که ارزش آن از کتاب خطی هیچ کمتر نیست. در میان پارسیان سنتی بسیار خوب وجود دارد و آن اینست که اگر دانشمندی فوت کند در صورت تمکن خود کتابهایش را به این کتابخانه می‌بخشد و اگر متمکن نباشد مؤسسات یا افراد علاقمند این کتابها را می‌خرند و به مؤسسه اهداء می‌کنند.

مؤسسه شرقشناسی کاما بیاد خورشید جی کاما، در اوایل قرن بیستم تأسیس شده است. خورشید جی کاما، تاجر جوانی بود که به آئین زرتشتی و مطالعات ایرانی علاقه وافر داشت و در طی سفرهای خود به اروپا نحوه تحقیق جدید رانزد استادان بزرگ اروپا فراگرفت و پس از آمدن به هند نخستین مکتب ایرانشناسی نوین را پایه‌گذاری کرد و شاگردان وی همه نام‌آوران سخت‌کوش در راه بررسی مظاهر درخشان فرهنگ و تمدن ایرانی شدند و همین شاگردان به کمک گروهی دیگر از پارسیان مؤسسه فعلی را بیاد آن شادروان پی افکندند.

امروز یربدنه طالار کتابخوانی کاما، تصویر این چهره‌های درخشان ایران‌شناس در هند نصب شده که از آنجمله است تصویر رنگی استاد پورداد که بخشی از عمر گرانقدرش در همین کتابخانه سپری شده. چند روز پیش از بازدید من، تصویر آخرین رئیس مؤسسه پروفیسور فیروز شرف را هم که در يك آتش‌سوزی عظیم سوخته به دیوار طالار آویخته بودند. این سنت رهنوز که هنوز است پارسیان هند رعایت می‌کنند و از چهره مردان جاودانی خود نقاشی‌های گرانبهای جالب می‌سازند و بیادگار نگهداری می‌کنند.

از کتابهای خطی مؤسسه کاما نیز هنوز فهرستی منتشر نشده است و فقط در قرن گذشته کاتالگ ناقصی از آن انتشار یافت و استاد رشید شهردان نیز يك فهرست دستنویس از کلیه کتابها تهیه کرده است.

پروفیسور کانگا از سرپرست خانه ایران که ساعتها از وقت خود را صرف بازدید و بررسی و شناسایی کتابهای خطی مجموعه مانوک جی هاتریا در مؤسسه کرده است سپاسگزاری کرد و گفت امیدواریم که نتیجه این بررسیها

را از محل اعتبار جایزه استاد پور داود بچاپ برسانیم .
سپس برایم گفت که یکی دیگر ازسفتهای دیرین ما پارسیان در بمبئی
اینست که پس از فوت دانشمندان بنام، کمیته‌ای تشکیل میدهم و به گردآوری اهانه
برای چاپ یادنامه و برقراری جایزه‌ای مخصوص برای محققان ودانشمندان
میپردازیم .

البته بیاد پور داود نیز گذشته از چاپ یادنامه اعتباری اختصاص داده‌ام
که سود آن هر سال به شخص واجد شرط که بتواند در مسابقه شرکت کند و
برنده شود جایزه می‌دهیم و اگر سال یا سالهائی بگذرد و کسی برنده نشود
از محل آن کتاب یا رساله‌ای را به چاپ می‌رسانیم .

اکنون درمؤسسه کاما دوازده جایزه ازین نوع وجود دارد که بزرگترین
آن بنام یک مرد نیکوکار هندو است که برای ساختمان مؤسسه کاما صد
هزار روپیه اهانه داده است .

در جوار این مؤسسه و در همان محله ، از مجتمع هنری جهانگیر که
شامل طالارهای خاص نمایشگاه وفروشگاههای آثار هنری است دیدن کردیم .
این بناها را سر کاوسیجی جهانگیر بیادبودگشته شدن پسر ارشدش در
اروپا ساخته و بشهر بمبئی اهداء کرده است . موزه بزرگ شهر بمبئی نیز
که بنام بنیانگذارش پرنس آف ولز نامیده شده و بزرگترین موزه در نواحی
غربی هند است ، در کنار این مجمع هنری قرار دارد یا گنبد سفیدش و باغ
پر گلش انسان را بیاد باغهای زیبای عصر امپراتوران یابری هند می‌اندازد .
گر چه روز دوشنبه بود و موزه تعطیل اما توانستیم با استفاده از
روابط دوستانه سرپرست خانه وفرهنگ و مدیران موزه از قسمت ایرانی آن
بازدید کنیم .

درین موزه نیز کتابهای خطی فارسی از جمله یک نسخه خسته نظامی
بسیار نفیس وجود دارد که مسئول آن با همکاری خانه فرهنگ سرگرم تهیه
کاتالگ تفصیلی آن هستند .

موزه پرنس آفلوز که در نوع خود از کاملترین موزه‌های هند است

از لحاظ غنا و تنوع مرهون ذوق سرشار و علاقمندی خانواده «تانا» پارسی معروف هند است که کلیه مجموعه‌های هنری خود را از نقاشی و کتبه کاری و مجسمه‌ها و ظروف چینی و شیشه، یکجا به‌موزه اهدا کرده‌اند و اکنون درست است که در خارج از موزه و باغ آن پیکره فلزی پرنس آفولز نصب شده اما در مدخل تالارهای آن نیز پیکره مرمرین شادروان ... تانا و همسر ارجمندش بانو... تانا نصب شده و خاطره این زن و شوهر فرهنگدوست پارسی را مردم بمبئی هرگز فراموش نمی‌کنند.

در کنار باغ بزرگ موزه که خانه رئیس موزه نیز در آن ساخته شده، عمارت جدیدی بنا کرده‌اند که بخشی از آن در اختیار خانه فرهنگ آلمان در هند که بیاد هندشناس معروف آلمان، ماکس مولر، ماکس مولر-بهاوان نام دارد، قرار داده شده.

سرپرست خانه فرهنگ می‌گفت:

ما نیز می‌توانیم در آینده خانه فرهنگ ایران در هند را بیاد یکی از مفاخر مشترک ایران و هند نامگذاری کنیم.

در کنار میدان جلو موزه از یک مؤسسه بزرگ هنری که مجموعه‌های بسیار داشت و در سطح بین‌المللی خرید و فروش می‌کرد بازید کردیم. در اینجا یکی از بزرگترین مجموعه‌های نقاشی‌های پشت شیشه کارهند گردآوری شده است.

در میان چهره‌های سرشناسی که درین مجموعه به‌چشم می‌خورد از رستم گرفته تا کریم‌خان زند ایرانیان بسیار می‌توان یافت.

در خانه فرهنگ هفته جشن فرهنگی جریان داشت، در گوشه‌ای از دیوار تالار لوحه‌ای بسیار بزرگ تعبیه شده بود و در روی آن نمایشگاهی از پیشرفت‌های چشم‌گیر ایران در طی سالهای اخیر، عکس‌های بزرگ درست کرده بودند که مراسم افتتاح آن چند روز پیش از ورود من به بمبئی صورت گرفته بود و شبی که من صبح آن بمبئی را ترک می‌کردم در خانه ایران یک شب شعر برقرار می‌شد و خیلی مایل بودم که فرصت داشتم و در آن شرکت

می‌کردم. بریکی از دیوارهای نمایشگاه تابلوی بزرگی نیز از عکس و تصویر و نوشته برای معرفی سه مرحله شعر در ایران، متقدم و متأخر و معاصر درست کرده بودند.

کتابخانه خانه فرهنگ متجاوز از هزار جلد کتاب دارد که در طی چند ماه گذشته آنها را به روش دیوی مرتب کرده‌اند و در میان کتابهای آن بعضی کتابهای جالب فارسی چاپ بمبئی دیده می‌شد، از جمله چند جلد شاعنامه و یک انوار سهیلی که به خط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده و در دوران حکمرانی سرجان‌ملکم در بمبئی به چاپ رسیده است.



در گوشه‌ای نیز تصویر قاب شده‌ای از فردوسی آویخته شده بود، این قلمکاری بود از پارچه ابریشمی که به عقیده سرپرست خانه فرهنگ دراصفهان

تهیه و به هند آورده شده بوده است .

در خانه فرهنگ تابلوی دیگری نیز تحت عنوان آثار ایران درموزه‌ها و کتابخانه‌ها و بناهای تاریخی هند تهیه و در معرض دید ، بازدید کنندگان قرار گرفته بود و درباره کتیبه‌های فارسی در هند تحقیقاتی بعمل آمده بود .

این کار در صورتی که ادامه یابد مجموعه‌ای جالب از آثار ایران در هند فراهم خواهد آمد که همه مطالب آن همراه با عکسها و نقشه‌ها تازه و دست اول است .

خانه فرهنگ دارای سه کلاس تدریس فارسی ، ابتدائی و متوسط بود و هر سال یکی از دانشجویان این کلاسها به ایران فرستاده می‌شود که يك ماه با همکاری وزارت آموزش و پرورش در تهران و اردوگاه بایلس به سر برد و از شیراز و تخت جمشید و اصفهان نیز بازدید کند . امسال بانو دیوانند همسر هنرپیشه معروف هند دیوانند به ایران اعزام گردیده و قرار است که وی در یکی از شبهای هفته جشن فرهنگی در خانه فرهنگ سخنرانی کند .

در يك طرف طالار نیز بزروی سر میز بزرگ کتابها و مجموعه مجلاتی را که قرار است به دانشگاه و کالجها و مؤسسات مختلف فرهنگی اهداء کنند ، چیده بودند ، که در میان مجموعه مجلات آن بیش از همه دوره‌های جلد شده مجله‌های فرهنگی وجود داشت .

در قفسه خاص دوره‌های جلد شده مجلات ادبی که در طی دو سال اخیر گردآوری و تجلید شده و برخی از تهران رسیده دوره‌های بسیار از مجله‌های گوناگون به چشم می‌خورد که جالبترین آن دوره کامل مجله ایران‌لیگ IRAN LEAGUE بود .

انتشار این ماهنامه از نخستین سالهای پادشاهی شاهنشاه فقید آغاز گردید و تا چند سال پیش ادامه داشت .

خانه فرهنگ ایران ، در قسمتی از ساختمان بزرگ مدرسه‌های پارسی که تجاوز از صد سال پیش توسط پارسی نیکوکار بمبئی بهرام جی جی بوی ساخته شده ، استقرار یافته است . این مدرسه هنوز هم دائر است و بفرزندانی پارسیان تنگدست اختصاص دارد . در این مدرسه مانند مدارس متوسطه متقدم دیگر در بمبئی ، هنوز فارسی تدریس می‌شود و خانه فرهنگ گذشته از دادن کتاب بهمه آنها به این یکی معلم هم داده است .

این محل هنگام سفارت جناب آقای حکمت در هند توسط نخستین مسئول خانه فرهنگ محمد کامکار پاری اجاره شد و پس از تشریف‌فرمایی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح به هند در سال ۱۳۴۷ قرار شد که با تهیه محلی بزرگتر خانه فرهنگ به صورت یک مرکز تحقیق زبان فارسی درآید و گسترش یابد و امید است که این برنامه بزودی بمرحله عمل درآید و این مرکز فرهنگی ایران در آسیا تقویت شود و توسعه یابد ، زیرا بمبئی اقامتگاه و وطن یکصد هزار زرتی پاری است و علاوه بر اینکه یک میلیون ساکنین مسلمان آن همه به ادبیات فارسی علاقمندند و در میانشان صددهزار شیعه اسماعیلی نیز وجود دارد که به فرهنگ ایران علاقمندی و بستگی دارند. ساکنان هندوی بمبئی نیز به فرهنگ ایران و زبان فارسی آشنایی و توجه دارند و بمبئی اکنون بزرگترین شهر هند و پایتخت فرهنگی و هنری آنست و بسیاری از کتابهای خطی گرانبها و چاپی کمیاب از سراسر هند گردآوری و به بمبئی حمل شده است .

توجه به زبان فارسی نیز در میان مردم این شهر قابل ذکر است و کالج نوبنیاد مهارشترای بیش از پانصد نفر به خواندن فارسی سرگرم هستند، تعداد کل ایرانیانی که در نیم قرن اخیر به بمبئی آمده و به کار و کاسبی پرداخته‌اند به چهار هزار نفر می‌رسد که بیشتر یزدی هستند و برای خود مسجد و تکیه و مدرسه و انجمنی بنام انجمن قنوت یزدیان دارند . در بمبئی و شهر مجاور آن پونا بیش از سیصد دانشجوی ایرانی سرگرم تحصیل هستند و گروهی از کودکان و نوجوانان ایرانی نیز در مدارس شبانه‌روزی بمبئی و نواحی مجاور آن درس می‌خوانند .